

**Validation of Iran's Imamiya rites during the period of infallible
(A case study of behavioral rituals)**

*Hassan Ahmadian Delaviz*¹ | *Mohammad Reza Jabari*²

Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23

Abstract

(DOI): [10.22034/MTE.2021.10053.1404](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.10053.1404)

Original Article

P 7 - 24

In the verses and traditions, performing divine and religious rites is emphasized. And the revival of rituals has been emphasized by the infallible imams. Each religious or non-religious group has its own signs and symbols by which its followers are identified. Iran's Imamite Shiites have also been like this throughout history. Rituals have different types, including behavioral rituals. Behavioral rites mean external performance that shows obedience to God. Although speech may be considered as one of the rituals, but behavior has a greater effect. Iran's Shiites have rituals such as visiting graves, mourning, wearing black clothes, sending religious gifts to imams, holding festivals, building graves, and blessing the infallible. All these cases, except for wearing black clothes, have been documented in the theoretical or practical life of the infallible.

Keywords: Shiites, Iran, Imamia, rituals, presence era.

1 - Department of History of Ahl al-Bayt (AS), Islamic History and Civilization Complex, Al-Mustafa Al-Alamiya Community, Qom, Iran: delaviz59@yahoo.COM

2 - . Educational Institute, Imam Khomeini (RA) Qom, Iran : mrjabbari1395@gmail.com



اعتبارسنجی شعائر امامیه ایران در عصر حضور (مطالعه موردی شعائر رفتاری)

حسن احمدیان دلاویز^۱ (نویسنده مسئول) | محمد رضا جباری^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2021.10053.1404](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.10053.1404)

علمی - پژوهشی

ص: ۲۴/۷

چکیده

در آیات و روایات، انجام شعائر الهی و دینی مورد تاکید و احیاء آنها از سوی بزرگان دین سفارش شده است. هر گروه دینی و مذهبی و حتی غیر دینی، دارای تعدادی از نشانه‌ها و علامت‌های اختصاصی هستند که پیروانشان با آنها شناخته می‌شوند. شیعیان امامیه ایران نیز در طول تاریخ اسلام از این امر مستثنی نبوده‌اند. شعائر دارای انواع مختلفی از جمله رفتاری است و مراد از شعائر رفتاری، رفتار بیرونی و واکنش خارجی و عملکردی که نشانه و علامت اطاعت الهی است، گرچه ممکن است در آن گفتار هم وجود داشته باشد اما رفتار و عملکرد نمود و جلوه بیشتری دارد. با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی، گفته می‌شود شیعیان امامیه ایران در انجام شعائر نظیر زیارت قبور ائمه (ع)، سوگواری و عزاداری، سیاه پوشی، ارسال وجوه شرعی برای ائمه، برگزاری جشن اعیاد، مقبره‌سازی و تبرک جستن به اهل بیت (ع)، اهتمام داشتند. همه شعائر هفتگانه مذکور جز مقوله سیاه پوشی، مستند بر سیره نظری یا عملی حضرات معصومان بوده است.

کلیدواژه: شعائر، شیعیان، امامیه، ایران، عصر حضور

^۱ - گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه قم، ایران hasan_ahmadyandelaviz@miu.ac.ir

^۲ - گروه تاریخ، موسسه آموزشی، امام خمینی (ره) قم، ایران mrjabbari1395@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۲/۲۳



(۱) مقدمه

در جامعه شناسی دین، مفاهیم، احکام و شعائر از ارکان و اجزاء اصلی دین محسوب می شوند از این رو شعائر دینی یک ضلع از اضلاع اساسی دین را تشکیل می دهد که بیشتر ناظر به جنبه های خارجی و ملموس دین است. لفظ شعائر در کتب مختلف به مناسبت و به شکل کم فروغ، مورد توجه و مفهوم شناسی محققان و مفسران قرار گرفته است. علی رغم جایگاه ممتاز شعائر در آیات قرآن و همچنین روایات حضرات معصومین (ع)، معنا شناسی و مصداق یابی نسبت به آن کمتر مورد توجه اهالی قلم و صاحبان اندیشه قرار گرفته است و گاه به صورت پراکنده و استطرادی به هنگام ذکر آیات مربوط به شعائر، مباحثی ارائه شده است. اثر حاضر عهده دار تبیین و تحلیل و اعتبارسنجی شعائر رفتاری شیعیان امامیه (براساس سیره نظری و عملی حضرات معصومان) در قلمروی جغرافیای ایران در عصر حضور یعنی از صدر اسلام تا سال ۲۶۰ هجری قمری است، که این مهم با بهره مندی از روش توصیفی-تحلیلی صورت می گیرد. نتیجه جستجو در موضوع مقاله، حکایت از عدم مشاهده کتاب یا مقاله مستقلی در این زمینه دارد، گرچه به صورت کلی در زمینه شعائر مباحثی در مقاله حج و شعائر الهی، مقاله حاکم اسلامی و اقامه شعائر دینی نوشته نادعلی علی نیا خطیر، تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی در آینه فقه اسلامی مرتضی رحیمی، جایگاه شعائر مذهبی در حرکت احیاء دینی امام خمینی (ره) به قلم غلامرضا ذاکر صالحی، روند دگرگونی نقوش و شعائر مذهبی بر روی سکه های دوره صفوی، نگارش سیاوش امرایی، آمده است، که کاملاً با اهداف مدنظر در مقاله پیش رو متفاوت اند.

(۲) مفاهیم

الف) شعائر

در برخی کتب لغت با توجه به مصداقیق شعائر، به تعریف آن پرداخته شده است. مثلاً ابن فارس می گوید: شعائر مناسک حج و هر آنچه علم و نشانه اطاعت خداوند متعال قرار گیرد می باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۵) ابن فارس در این عبارت با بیان یکی از مصداقیق اساسی شعائر که اعمال حج است، به تعریف و شناساندن شعائر پرداخته شده است. فراهیدی درباره این واژه چنین می نویسد: «الشعار: يُقال للرجُل: انت الشعار دون الدثار، تصفه بالقرّب و المودة، و اشعر فلان قلبی همّاً، البسه بالهم حتی جعله شعاراً...» (فراهیدی،

۱۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال دهم، شماره ۲۲، تابستان ۱۴۰۱

۱۴۰۹ق، ص ۹۲۲) ترجمه: به کسی گفته می‌شود تو شعار هستی، نه دثار؛ یعنی تو نزدیک به من و مورد محبت و مودت من هستی و فلانی قلبم را از هم و غم شعار نمود؛ یعنی هم و نگرانی را به او پوشاند، به نحوی که شعار او شده است.

براساس این عبارت شعار و شعیره به چیزی اطلاق می‌شود که مورد لمس و حس شخص باشد و حالت ابراز و اظهار داشته باشد، سپس می‌گوید^۱: علت اطلاق شعیره بر شتر قربانی، مطابق بیان فراهیدی، علامت حسی و ظاهری بر روی کوهان شتر است تا همگان بدانند این حیوان برای قربانی در منی است. پس در معنای لغوی آن نوعی علامت حسی و ظاهری اشراب شده است.

واژه شعائر در آیات الهی، چهار مرتبه استعمال شده است که در تمام موارد آن به صورت جمع و به همراه مضاف الیه «الله»-شعائر الله- به کار رفته است. لذا به معنای علامت خاص است و مراد از آن آیین های الهی و امور حسی است که خدا را به یاد می‌آورد و نشان می‌دهد.

شماری از مفسران قرآن به تناسب بیان آیات مربوط به شعائر الهی، درباره معنا و مصادیق آن اظهار نظر کرده اند از جمله طبری در جامع البیان که دعا، ذکر و ادای واجبات را از مصادیق شعائر به شمار آورده است. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۷)

فخر رازی، شعائر الهی را هرآنچیزی که نشانه و علامت اطاعت خداوند باشد، می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۳۵) قرطبی نیز در کتاب الجامع خود دیدگاهی مشابه آنچه از دو مفسر پیشین ذکر شد، ارائه می‌دهد (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۱۸۰)

صاحب تفسیر المیزان در این باره معتقد است که کلمه (شعائر) به معنای علامت و دلیل است و در آیه شریفه مسئله را مقید به چیزی از قبیل صفا و مروه و امثال آن نکرده و از این فهمیده می‌شود که هر چیزی که یاد آورنده خدا باشد، آیات و علامات او باشد، تعظیمش از تقوای خداست و تمامی آیات قرآن که متعرض مسئله تقوی شده شامل این تعظیم هم می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۶۱۵)

آنچه که در اثر حاضر از واژه شعائر، مدنظر است که البته با معنای لغوی و اصطلاحی آن نیز کاملاً هماهنگی دارد، هر آن چیزی است که علامت و نشانه اطاعت الهی باشد که در

۱. «و الشعيرة البدن، واشعرت هذه البدن... نسكا... ای جعلتها شعيرة تُهدى، و اشعارها آن یوجا سنامها بسکین فیسیل الدم علی جانبها فتعرف انها بدنه هدی... و سبب تسمية البدن بالشعيرة او بالشعار انها تُشعر-ای تُعلم- حتی يُعلم انها بَدَنٌ للهدي»

۱۱ احمدیان دلاویز و جباری : اعتبارسنجی شعائر امامیه ایران در عصر حضور ...

رفتار بیرونی و واکنش خارجی تجلی پیدا می کند، از این رو گفته می شود مواردی که در قرآن کریم به عنوان شعائر بیان شده از جمله اعمال مربوط به قربانی و اعمال حج، چند نمونه از شعارهای دینی است که روشن است نمی توان آنها را در این موارد منحصر کرد، چرا که مفهوم شعائر دارای نوعی عمومیت و گسترده گی است که مصادیق دیگری مانند آنچه در ادامه خواهد آمد را دربرمی گیرد.

در مجموع می توان گفت شعائر در اسلام تمامی علاماتی است که برای «طاعت» و مظهر دین قرار داده شده است و مراد از شعائر شیعیان همان علامت ها و نشانه های دینی و اختصاصی این گروه است که تجلی و نمود بیرونی و خارجی دارد.

ب) شعائر رفتاری: مراد از شعائر رفتاری که در مقابل شعائر گفتاری قرار می گیرد، رفتار بیرونی و واکنش خارجی و عملکردی که نشانه و علامت اطاعت الهی است، گرچه ممکن است در آن گفتار هم وجود داشته باشد اما رفتار و عملکرد نمود و جلوه بیشتری دارد.

۳) جایگاه و اهمیت شعائر در قرآن کریم

در ادله زیادی تعظیم، تکریم، حفظ و احترام شعائر واجب شده و آن را نشانه ایمان، تقوی و رضایت پروردگار معرفی کرده است و نیز در ادله فراوانی از هتک و بی احترامی و سبک شمردن شعائر نهی شده است و این مسئله میزان اهمیت شعائر در نزد شارع را می رساند. خداوند متعال در یکی از آیات قرآن می فرماید: ذَلِكْ وَمَنْ يَعْظُمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج/۳۲) در این آیه به دو نکته اشاره شده است اولاً تعظیم شعائر از مفروضات دین شمرده شده و ثانیاً به تعظیم و تکریم شعائر دینی تشویق شده است که این نکته نشان از میزان اهمیت پاس داشتن شعائر نزد شارع دارد.

در آیه «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ» (مائده/۲) نیز اهمیت شعائر مورد توجه است، چراکه صراحتاً از سبک شمردن آنها نهی شده است. در برخی آیات نیز شماری از شعائر الهی مورد تصریح قرار گرفته اند، به طور مثال در آیه ای از قرآن، صفا و مروه از شعائر الهی معرفی شده اند: إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ (بقره/۱۵۸) و در آیه دیگر قربانی از شعائر الهی شمرده شده است: وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ (حج/۳۶) در برخی آیات نیز لفظی از شعائر به میان نیامده است اما به بزرگ شمردن و تعظیم چیزی تشویق شده که می توان گفت از شعائر محسوب می شوند، مانند آنچه در آیه فی بیوتِ اذنِ الله ان ترفعَ ویذكرَ فیها اسمهُ (نور/۳۶) آمده است. گرچه لفظ «شعیره» نیامده اما بیوت، طوری تعریف و تعظیم شده اند و به تعظیم و تکریم آنها

سفارش شده است که می توان حکم شعائر را بر آنها بار کرد.

۴) شعائر رفتاری امامیه ایران در عصر حضور و استناد آنها به سیره حضرات معصومان (ع)

شعائر رفتاری شیعیان امامیه ایران در عصر حضور حضرات ائمه (ع) را می توان در محورهای مهمی نظیر زیارت قبور ائمه (ع)، سوگواری و عزاداری، سیاه پوشی، ارسال وجوه شرعی برای ائمه، برگزاری جشن اعیاد، مقبره سازی و تبرک جستن به اهل بیت (ع) خلاصه کرد.

۴-۱) زیارت قبور ائمه (ع)

زیارت قبور مطهر امامان شیعه به ویژه حرم امام حسین (ع) در کربلا از جمله شعائری است که توسط شیعیان ایران در بازه زمانی حضور حضرات ائمه (ع) انجام می شده است. گزارش های تاریخی حاکی از رونق این شعار در میان شیعیان قم و آوه (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۲۷۹) و دیگر شیعیان ایران دارد.

حضرت عبدالعظیم حسنی می گوید: از امام هادی (علیه السلام) شنیدم که فرمود: «مردم قم و آوه (آوه) آمرزیده هستند؛ چون در طوس به زیارت جدم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می روند. آگاه باشید! هر که به زیارت آن حضرت بشتابد و در راه رفتن به طوس قطره ای از آسمان بر سر او فرود آید، حتی اندکی به رنج و زحمت افتد، جسم او بر جهنم حرام خواهد شد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۶۰؛ بروجردی، ۱۳۸۶ش، ج ۱۵، ص ۴۸۷) شهر شیراز نیز با توجه به اینکه مدفن شماری از امامزادگان گرانقدر بود، مکانی برای آمد و شد شیعیان برای زیارت این اماکن مشرفه به شمار می رفت. براساس گزارشی شخصی به نام ابوعلی به قصد زیارت قبر محمد بن موسی و احمد بن موسی کاظم (ع) به این شهر مسافرت نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸، ص ۲۷۹)

این شعار شیعی پشتوانه انبوهی از روایات و توصیه ائمه علیهم السلام را در سفارش به زیارت به همراه دارد. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۲۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۶؛ ابن المشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۴۰) این شعار شیعی به جهت مبادرت ائمه علیهم السلام به زیارت و توصیه های مکرر در خصوص آداب زیارت و ثواب آن از جمله شعارهایی است. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱-۲۲) که به سرعت در میان شیعیان ایران در قرن دوم و سوم

احمدیان دلاویز و جباری : اعتبارسنجی شعائر امامیه ایران در عصر حضور... ۱۳

هجری قمری رواج یافت. این مسأله به خاطر امکان الگوگیری از ائمه علیهم‌السلام در زیارت است، چراکه الگوی مشخص عملکرد مشابه بوجود می‌آورد.

۲-۴) سوگواری و عزاداری شیعیان بر مصیبت اهل بیت (ع)

برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری از سوی شیعیان در رثای اهل بیت علیهم‌السلام از جمله شعائر شیعه است که در طول تاریخ، روش‌های متعددی به خود گرفته است. هدف از برپایی عزاداری در اسلام، به ویژه در مکتب تشیع تنها توجه به بعد عاطفی قضیه و تسکین آلام و دردها نیست، بلکه اقامه مجالس سوگواری برای حضرات ائمه به خصوص به یاد ابا عبدالله الحسین (ع)، اهداف عالی و بلندی را مدنظر دارد. به طور مشخص احیای شعائر دینی و الهام‌گیری از سیره و روش امامان شیعه و شهیدان کربلا و فاش ساختن و آشکار نمودن چهره نفاق آلود و مدعیان دیانت و همچنین انتقال فرهنگ شهادت، ایثار و شجاعت، به نسل‌های آینده از جمله، اهداف عزاداری به شمار می‌آید.

با توجه به حضور معصومان (ع) در حجاز و عراق می‌توان به آسانی ادعا کرد که تقدم به عزاداری در رثای معصومین علیهم‌السلام توسط شیعیان این دو سرزمین اسلامی بوده. (ابن طاووس، ۱۳۴۸ ش، ص ۶۷-۶۸) و ایران در مرتبه بعد قرار دارد چراکه درک حضور معصوم و فقدان او ابتدا در آن منطقه احساس می‌شده و سپس اخبار آن به مناطق دیگر می‌رسید.

شرکت‌کنندگان در قیام توابین که به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی در سال ۶۵ هجری رخ داد، پیش‌آغاز نبرد، خود را به کربلا رسانده و یک شبانه روز در جوار مرقد امام حسین (ع)، به استغفار و سوگواری مشغول شدند و گریه و ناله‌ای سر دادند که تا آن زمان دیده نشده بود. سپس وداع کرده و به سوی نخلیه به راه افتادند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م، ج ۴، ص ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵، ص ۲۳۴) در میان آنان شیعیان ایرانی نیز حضور فعال داشتند.

امام رضا (ع) در سراسر ایام محرم محزون و غمگین بود و مجلس عزاداری و مرثیه‌سرایی ترتیب می‌داد و اگر شاعر یا مرثیه‌سرایی حضور داشت، می‌فرمود، اشعاری در مرثیه امام حسین (ع) بسراید و در غیر این صورت خودش مصائب جدش را ذکر می‌کرد و می‌گریاند. دعبل خزاعی می‌گوید: خدمت سرورم امام رضا (علیه‌السلام) رسیدم، دیدم آن حضرت همراه اصحابش محزون و اندوهگین نشسته‌اند وقتی که مشاهده کرد که من به سوی او می‌آیم، فرمود: «مرحبا به دعبل، مرحبا به کسی که با دست و زبانش مارا یاری می‌

کند. آن گاه مرا یک طرف خود نشانند و فرمود: ای دعبل، می خواهم شعری بگویی. زیرا این روزها، ایام حزن و اندوه ما اهل بیت است و ایام سرور دشمنان ما خصوصاً بنی امیه است. ای دعبل، هر کس بر مصیبت ما بگریاند، (حتی یک نفر) را، اجرش با خداست. ای دعبل! هر کس چشمش بر مصیبت ما اشک بریزد و بگرید همراه ما و در زمره ما محشور می شود. ای دعبل! هر کس بر مصیبت جدم حسین (علیه السلام) بگرید، البته خدا گناهان او را می آمرزد. آن گاه دستور داد پرده ای میان ما و اهل حرم زدند و فرمود که در پس پرده بنشینند و در مصیبت جد خود بگریند. در این هنگام به من فرمود: ای دعبل! بر حسین (علیه السلام) مرثیه بخوان. مادامی که تو زنده ای یاور و مدح کننده ما هستی پس هر چه توانستی از یاری ما کوتاهی مکن. آن گاه من گریستم و اشعاری را خواندم. (محمد تقی مجلسی، ۱۳۸۲ ش، ۵۳۳)

این عمل شیعیان کاملاً مستند بر رفتار دینی امامان شیعه است چرا که نتیجه کاوشی گذرا در زندگانی حضرات ائمه نشانگر اهتمام ایشان بر امر سوگواری و عزاداری مصیبت امامان گذشته به ویژه حضرت اباعبدالله الحسین و شهدای کربلا، است. در بحث سیره اهل بیت (علیهم السلام) در بحث سوگواری می توان به ذکر دو روایت ذیل بسنده نمود:

درباره عزاداری امام هفتم شیعیان در ایام محرم نیز روایتی از زبان امام رضا (ع) وارد شده است: قال الرضا (ع): کان ابی اذا دخل شهر المحرم لایری ضاحکا و انت الکابه تغلب علی حتی یمضی منه عشره ایام. فاذا کان الیوم العاشر کان ذلک الیوم یوم مصیبت و حزنه و بکائه و... (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۱)

روایت دیگر از زید الشحام خواندنی است، وی نقل می کند که روزی نزد امام صادق (ع) بودیم، جعفر بن عثمان وارد شد و نزدیک امام نشست. امام به او فرمود: شنیده ام که تو درباره حسین (ع) شعر می گویی؟ جعفر گفت: آری، با درخواست امام، او اشعاری در رثای اباعبدالله خواند و امام و جمع حاضر گریه کردند، همچنان که ما گریه کردیم. سپس فرمود: «کسی که برای حسین (ع) شعر بگوید، خود گریه کند و دیگران را بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب می کند و گناهانش را می آمرزد» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، باب ۳۲، ص ۱۱۲)

۳-۴ سیاه پوشی

پوشیدن لباس سیاه رنگ در عزا و مصیبت بزرگان دین و مکتب در نزد شیعیان یکی از نشانه ها و شعائر این گروه از مسلمانان به شمار می آید.

احمدیان دلاویز و جباری : اعتبارسنجی شعائر امامیه ایران در عصر حضور ... ۱۵

از شیعیان ایران مردم خراسان در ماتم یحیی فرزند زید سیاه پوشیدند (منذر، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲۵) سیف بن عمره نخعی کوفی، از راویان شیعه و صحابی برجسته امام صادق و کاظم در قصیده‌ای شیعیان را به پوشیدن لباس های سیاه عزا در سوگ ابا عبدالله فرا خوانده است. (منذر، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲۸ و ۱۲۹)

در بحث استناد این رفتار شیعیان به عملکرد حضرات ائمه (ع)، گفته می شود در جستجوی صورت گرفته، سیاه پوشی ایشان در مراسم سوگواری و عزاداری، مشاهده نشد، گرچه گزارش های تاریخی حکایت از سیاه پوشی فرزندان و اطرافیان امامان شیعه در مناسبت های مختلف دارد. از جمله در تاریخ می خوانیم که پس از شهادت امام مجتبی زنان بنی هاشم تا یک سال پس از رحلت ایشان لباس سیاه بر تن داشتند «ولما مات الحسن اقام نساء بنی هاشم علیه النواح شهرا و لبسوا الحداد سنة» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۲) این امر درباره شهادت امام حسین (ع) نیز از سوی اطرافیان و زنان بنی هاشم انجام گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۸۸)

مقریزی در خطط و آثار می نویسد: زمانی که زید بن علی به قتل رسید شیعیان لباس سیاه پوشیدند و نخستین کسی که در سوگ زید سیاه پوشید پیر بنی هاشم در وقت خویش، فضل بن عبدالرحمن بن عباس بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب بن هاشم بود که زید را در قصیده ای بلند رثا گفت و شعر وی مورد احتجاج و استشهاده سیبویه قرار گرفته است. (مقریزی، ۱۹۸۷م، ج ۴، ص ۳۲۴؛ منذر، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲۴)

آنچه که به نظر می رسد آنست که این رفتار شیعیان ایران در عصر حضور، برگرفته از سیره نظری و عملی و عملکرد مستقیم هیچ یک از ائمه (ع) نبوده است و شاید بتوان مدعی شد که در اثر الگوگیری از رفتار فرزندان و اطرافیان نزدیک ایشان شکل گرفته باشد.

۴-۴ ارسال وجوه شرعی برای ائمه

یکی از واجبات مهم مالی در اسلام «خمس» است که از فروغ دین و جزء عبادات شمرده می شود. با توجه به اینکه بخشی از خمس بر اساس فقه شیعه به امام معصوم می رسد، سیستم حاکم بر همین اساس شیعیان را شناسایی می کرد. حضور نمایندگان و وکلای حضرات ائمه در ایران که نام آنها در صفحات تاریخ ثبت شده است، حاکی از رواج مقوله پرداخت خمس از سوی شیعیان امامیه است، چراکه یکی از وظایف اساسی آنان، جمع آوری

واجبات مالی بوده است. در همین راستا می توان از ابوعلی بن راشد به عنوان نماینده امام هادی علیه السلام در مناطقی نظیر بغداد، مدائن و سواد (عراق) و دیگر مناطق اطراف، نام برد. امام نمایندگی خود را در بخش هایی از ایران و عراق بر عهده او گذاشتند. (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱۴)

در گزارشی از ابن شهر آشوب در مناقب آمده است که شیعیان نیشابور سی هزار دینار و پنجاه هزار درهم و مقداری لباس برای امام کاظم علیه السلام ارسال کردند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۹۱)

بحث پرداخت خمس به عنوان یکی از نشانه ها و شعائر شیعیان نشأت گرفته از قران کریم و سنت معصومان (ع) است. علاوه بر آیه ۴۱ سوره انفال^۱ روایات بسیاری از اهل بیت (علیهم السلام) دلالت بر وجوب خمس و پرداخت آن به امام شیعه دارد که در این مجال به دو مورد از آنها اشاره می شود:

عمران بن موسی می گوید من آیه خمس را بر امام کاظم (ع) خواندم ایشان فرمود: «آنچه که برای خداست، از آن رسول است و آنچه که از آن رسول است برای ما است. خدا در کار روزی بر مؤمنان آسان گرفته و در هر پنج درهم، تنها یک درهم بر آنها واجب ساخته و چهارتای دیگر را بر آنان حلال نموده است.» (محمد بن حسن حراملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۸۵) روایت دیگر از امام رضا (ع) نقل شده است که فرمود: «کل ما أفاده الناس فهو غنیمة. لا فرق بین الكنوز والمعادن والغوص... فعلى كل من غنم من الوجوه مألًا فعليه الخمس.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۸۴)

ترجمه: هر چه مردم به دست آورند، غنیمت به شمار می آید، خواه گنج یا معادن باشد و خواه از غواصی در دریا به دست آید،... هر کس از هر يك از این راهها چیزی به دست آورد، باید خمس بپردازد»

البته روشن است که در این مساله امامان شیعه، محل رجوع و دریافت اموال شرعی مردم به شمار می روند و طبعاً خودشان برخلاف سایر شعائر، نمی توانند عامل باشند.

۱. وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أُمَّتَكُمْ بِاللَّهِ وَ

۴-۵) برگزاری جشن غدیر و سایر اعیاد

برپایی مراسم شادی و سرور در میان شیعیان ایران در زمان حضور، در مناسبت های دینی و اعیاد و موالید حضرات ائمه (علیهم السلام) از دیگر نشانه ها و شعائر رفتاری این گروه مذهبی به شمار می رود. گرچه گزارش های مبنی بر رواج این عملکرد از سوی شیعیان اندک است اما همین میزان نیز می تواند نشانگر اهتمام آنان نسبت به برپایی مراسم و آیین جشن و سرور باشد.

محمدبن علاء همدانی و یحیی بن جریح بغدادی در اوائل قرن سوم هجری زمانی که در یک مساله اختلاف داشتند و در قم به خدمت احمدبن اسحاق قمی (از اصحاب امام عسکری (ع)) می رسند در گفتگوی بین خودشان عید شیعیان را چهارمورد یعنی عیدقربان، فطر، غدیر و جمعه بیان می کنند که خود بیانگر شهرت و رواج عید غدیر در میان شیعیان در آن دوره از تاریخ است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱، ص ۱۲۰)

این شعائر شیعیان امامیه ایران نیز کاملاً مستند از سفارش ها، تاکیدها و رفتارهای حضرات ائمه (ع) به ویژه امام رضا (ع) است. امام رضا (ع) که در ایران سکونت داشته اند جمعی از دوستان را برای صرف غذا به حضور پذیرفته بود که در آن مجلس با امکانات تازه ای از میهمانان پذیرایی شد و امام همواره فضیلت و عظمت آن روز و سابقه دیرینش را در تاریخ اسلام شرح می داد. (ابن طاووس، ۱۳۹۱ش، ج ۲، ص ۲۵۴) البته این عمل امام رضا علیه السلام در ایران بود که می تواند نقش و کارکرد عمل امام و ارتباط مستقیم امام با شیعیان را در ترویج یک شعار نشان دهد.

امام عسکری (ع) بعد از ولادت با برکت فرزند گرامیش، حضرت مهدی (عج) دستور دادند که مقدار زیادی نان و گوشت بخرند و میان فقیران شهر سامرا تقسیم کنند. (ابن بابویه، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۱۰۵) خواص شیعیان هم وقتی از ولادت آن حضرت با خبر شدند، سرتاسر وجودشان را به سبب ولادت آن حضرت سرور و شادی فرا گرفت و دسته دسته خدمت امام عسکری می رسیدند و ولادت آن بزرگوار را به ایشان تبریک می گفتند. شاعران شعرهای بسیاری در این باره می سرودند و بدین وسیله، سرور و خوشحالی خود را آشکار می کردند. (قرشی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۲)

۴-۶) مقبره سازی

ساخت بنا بر روی قبر بزرگان دین و آباد سازی و توسعه آن، از دیگر نشانه‌ها و شعائر شیعه به شمار می‌رود، گرچه در صدر اسلام اهل سنت نیز این امر را مورد توجه قرار می‌داد و اقدام به احداث بنا بر قبور درگذشتگان می‌نمود، اما این عمل در میان شیعیان به صورت عمق تری صورت می‌گرفت و آنان اهتمام ویژه‌ای نسبت به این مساله دینی نشان می‌دادند، به نحوی که مقبره سازی به یکی از نشانه‌های پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بدل گشت. در ایران گزارش‌هایی مبنی بر مقبره سازی در دوره حضور امامان شیعه به دست ما رسیده است از جمله درباره مرقد حضرت معصومه (س) که گفته می‌شود پس از دفن ایشان در قم، موسی بن خزرج، سایبانی از بویا بر فراز قبر شریفش قرار داد تا این که زینب دختر محمد بن علی الرضا (ع) (امام نهم) قبه‌ای را بر سر تربت او بنا نهاد. (قمی، ۱۳۶۱ ش، ص ۲۱۳)

امام رضا (ع) پیش از شهادت، محل دفن خود را به همراهانش نشان داد، این مکان، محل دفن هارون الرشید عباسی بود که مامون برای آن بقعه‌ای ساخته بود. پس از شهادت امام در توس، پیکر او را در همین بقعه به خاک سپردند. (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۸۱)

درباره استناد این رفتار شیعیان امامیه ایران به سیره حضرات معصومان (ع)، گفته می‌شود توصیه‌ها و سفارش‌هایی از سوی ایشان نسبت به اهتمام داشتن شیعیان در مساله احداث و آبادانی مقابر بزرگان دین وجود دارد، اما اینکه خود معصومان به صورت مستقیم اقدام به این کار کرده باشند، گزارشی در دست نیست.

در مقام بیان سیره نظری معصومان در این مقوله، می‌توان به حدیثی از پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی (ع) درباره زیارت و عمارت قبور اشاره کرد، ایشان فرمودند:

«بخدا سوگند کشته می‌شوید در زمین عراق و در آنجا دفن می‌شوید عرض کردم یا رسول الله پاداش زیارت قبرهای ما چیست هر کس آنها را آباد کند جزایش چیست؟ حضرت فرمود: ای ابا الحسن همانا خدای تعالی قبر تو و قبرهای فرزندان را بقعه‌ای از بقعه‌ها و میدان‌های بهشت قرار داده و خدا دل‌هائی را از آفریدگان و برگزیدگانش قرار داده که به سوی شما میل میکنند و درباره شما اذیت و آزارها را تحمل می‌کنند سپس قبرهای شما را آباد می‌کنند بواسطه نزدیکی آنان به خداوند جل و علا و دوستی برای رسول خدا، یا علی، اینان ویژگیان و مخصوصین به شفاعت منند و اینان فردا در بهشت مرا زیارت می‌کنند.» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۴۴)

۷-۴) تبرک

معنای لغوی و اصطلاحی: تبرک، از ریشه «ب رک» است که برای این ماده در منابع لغت‌شناسی، معانی خیر کثیر و فزونی، سینه شتر، سعادت و ثبات بیان شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹۵ «برک»؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴، ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۷)

در اصطلاح دینی، تبرک عبارت است از طلب برکت، شگون و خیر از خدا یا انسان و شیئی که خدا امتیاز ویژه‌ای به او بخشیده است؛ خواه برکت دنیوی باشد، مانند افزایش روزی، خواه اخروی، مانند علو درجات در آن دنیا؛ همچنین برکت می‌تواند مادی باشد یا معنوی. (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۹۰)

درباره مصادیق تبرک جستن شیعیان ایران، به حضرات معصومان و آثار مرتبط با ایشان، می‌توان دو نمونه را ارائه کرد: در کتاب تهذیب التهذیب گزارشی مبنی بر تبرک جستن به قبر منور امام رضا(ع) از سوی برخی از زائران در دوره مدنظر اثر حاضر بیان شده است. (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۷، ص ۳۸۸) جریان اهداء لباسی از سوی امام رضا(ع) به دعبل خزاعی و توجه شیعیان قم نسبت به آن لباس و گرفتن آن از دعبل و تقسیم نمودن آن در بین مردم به عنوان تبرک، از دیگر نمونه‌ها در این باب است. عبارت حسن بن محمد در تاریخ قم در این باره چنین است:

«... تا غایت که دیگر اشعریان، از دعبل، لباس ابریشمین که «رضا» بدو بخشیده بود، به مبلغ یک هزار مثقال طلا بخريدند و هر یکی، پاره‌ای از آن بهر تیمن و طلب شفا بدان نمودن برگرفتند». (قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۷۹؛ شیخ مفید، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۲۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۸۱)

درباره اعتبارسنجی این رفتار شیعیان ایران در تبرک جویی به اهل بیت(ع) می‌توان گفت: تبرک مقوله‌ای است که هم در قرآن و نیز در روایات اهل بیت(علیهم السلام) مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «اَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقَوْهُ عَلَيَّ وَجْهَ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» ۱ / این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیفکنید تا بینا شود و کسان خود را همگی نزد من آورید. در این آیه بیان می‌کند پیراهن حضرت یوسف

۲۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال دهم، شماره ۲۲، تابستان ۱۴۰۱

باعث شد حضرت یعقوب بینا شود و شفا پیدا کند پس تبرک در قرآن هم بیان شده است. هر چیزی وسیله ای می خواهد تبرک جستن هم نوعی وسیله است.

همچنین در منابع روایی و تاریخی اهل سنت و شیعه درباره تبرک احادیث بسیاری آمده است که به ذکر سه نمونه بسنده می شود: احمد حنبل در مسند خود، در ضمن روایتی طولانی که شرح برخی از ویژگی های پیامبر و یاران او را در بردارد، چنین می گوید: «وإذا توضأ کادوا یقتتلون علی وضوئه» (احمد بن حنبل، بی تا، ۳۱، ص ۲۴۸) ترجمه: هرگاه پیامبر وضو می گرفت، نزدیک بود مسلمانان، (بر سر بدست آوردن آب وضوی آن حضرت) با هم بجنگند.

در روایتی از صفیه دختر بجره چنین نقل شده است که گفت: عمویم فراس از پیامبر (ص) ظرفی را که ایشان در آن ظرف، غذا می خورد را درخواست نمود و پیامبر به او داد و گفت: هنگامی که عمر نزد ما آمد گفت آن طرف را برایم بیاورید. پس ما آن را برایش حاضر کردم و از آب زمزم پرکرد و آشامید و بر صورتش پاشید. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۷۶؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۵۳)

نمونه سوم سفارش و توصیه امام صادق (ع) درباره تبرک جستن به منبر پیامبر (ص) در شهر مدینه است، که فرمود: «وقتی که از دعا کردن نزد قبر پیامبر اکرم فارغ شدی، نزد منبر برو و آن را مسح کن و چشمان و صورت خود را بر دو مناره بگذار که گفته شده است این عمل شفای چشم است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۴۵، محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۶۴)

نتیجه

بحث از شعائر و انواع مختلف آن، از مباحث جدید در تاریخ نگاری اسلامی است که کمتر به آن توجه شده است، از این رو تا به امروز هیچ اثری به صورت کامل، دقیق و تحلیلی در این زمینه به نگارش درنیامده است و جای خالی آن در میان تالیفات در این موضوع کاملاً احساس می شود که این امر عنایت بیشتر محققان را به مساله تاریخ اجتماعی طلب می کند و اهمیت و ضرورت آن را نمایان می سازد. شعائر رفتاری شیعیان ایران در طول تاریخ اسلامی از نسلی به نسل دیگر رسیده است و به تدریج و به ویژه در دوران حاکمیت های تشیع بر شمار آن افزوده شده است. از میان شعائر رفتاری شیعیان ایران که از گذشته تاکنون نیز ادامه داشته، می توان از زیارت قبور ائمه (ع)، سوگواری و عزاداری، سیاه پوشی، ارسال وجوه شرعی برای ائمه، برگزاری جشن اعیاد، مقبره سازی و تبرک جستن به اهل بیت (ع)، نام برد که همه آنها (جز سیاه پوشی) مستند به سیره حضرات معصومان (ع) است و محورهایی نظیر غمه زنی، حمل کردن علامت در دسته های عزاداری، مراسم جشن مربوط به نهم ربیع و... اساساً جزء شعائر شیعیان در عصر حضور، قلمداد نمی شده است تا درباره اعتبار سنجی آنها بحث و بررسی صورت گیرد.

منابع و مأخذ:

۱. ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م) الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر- داربیروت،
۲. ابن المشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق) المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی،
۳. ابن بابویه محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۷۶ش، الامالی، ششم، تهران، کتابچی،
۴. ابن طاووس، سید رضی الدین، (۱۳۹۱ش) اقبال الاعمال، تحقیق جواد قیومی، سوم، قم، بوستان کتاب،
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۴۸ش) اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، نشر جهان،
۶. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق) معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی،
۷. ابن قولویه، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، اول، نجف، دار المرتضویه،
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق) لسان العرب، سوم، بیروت، دار صادر،
۹. ابوالقاسم حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، (۱۴۱۲ق) مفردات الفاظ قرآن، اول، بیروت، بی نا
۱۰. بروجردی، سیدحسین، (۱۳۸۶ش) جامع احادیث الشیعة، تحقیق جمعی از محققان، اول، تهران، فرهنگ سبز،
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق) انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، الاولی، بیروت، دارالفکر،
۱۲. جزری، علی بن محمد بن اثیر، (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م) اسدالغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالفکر،

احمدیان دلاویز و جباری : اعتبارسنجی شعائر امامیه ایران در عصر حضور... ۲۳

۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق) وسایل الشیعه، اول، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث،
۱۴. حنبل، احمد، (بی تا) مسند احمد، بیروت، نشر دار احیاء
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ق) إرشاد القلوب إلى الصواب، اول، قم، الشریف الرضی،
۱۶. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰ق) تفسیر الکبیر، سوم، بیروت، دار احیا التراث العربی،
۱۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰ق) المیزان فی تفسیرالقرآن، دوم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات،
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۷ق) اعلام الوری باعلام الهدی، تحقیق موسسه آل البيت (ع)، اول، قم، موسسه آل البيت (ع)،
۱۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق) تفسیر الطبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن) اول، بیروت، دار المعرفه،
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق) النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دوم، بیروت، دار الکتب العربی،
۲۱. عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن حجر، (بی تا) تهذیب التهذیب، الهند، مطبعة دائرة المعارف النظامية،
۲۲. _____، (۱۴۱۵ق) الاصابة فی تمیز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدال موجود، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة،
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق) العین، دوم، قم، هجرت،
۲۴. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱ش) قاموس قرآن، ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه،
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش) الجامع لاحکام القرآن، اول، تهران، ناصر خسرو،
۲۶. قمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۱) تاریخ قم، اول، تهران، توس،

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق) الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه،
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، تحقیق جمعی از محققان، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
۲۹. _____، (۱۴۰۴ق) مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، دوم، تهران، دار الکتب العلمیه،
۳۰. مجلسی، محمد تقی، (۱۳۸۲ش) جلاء العیون، نهم، قم، سرور،
۳۱. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، (۱۳۸۸ش) الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه حسن موسوی مجاب، قم، سرور،
۳۲. _____، (۱۴۱۳ق) المزار، تحقیق محمداقرا ابطحی، اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید،
۳۳. مقریزی، احمد بن علی، (۱۹۸۷م) الخطط (المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقریزیة) دوم، مکتبه الثقافة الدینیة،
۳۴. نوری، حسین بن محمد تقی، (میرزا حسین نوری)، (۱۴۰۸ق) مستدرک الوسائل، تصحیح موسسه آل البيت، اول، قم، موسسه آل البيت،